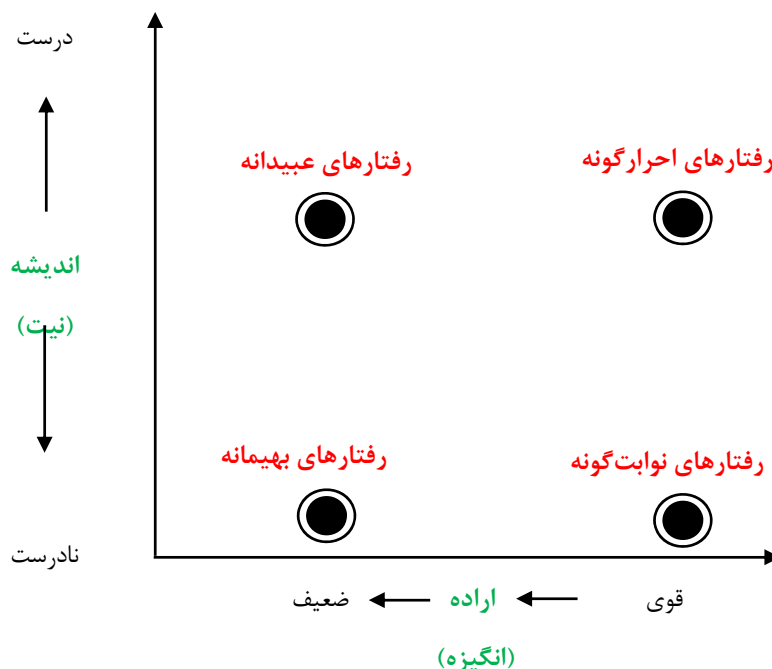


## منش‌های رفتاری:

(بسیار مهم - به احتمال قوی فردا یک تست از این قسمت آمده است.)



فارابی مردم را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. **احرار:** انسان‌هایی هستند که از اندیشه درست و اراده قوی برخوردارند.
۲. **عبید:** کسانی هستند که از اندیشه درست برخوردارند، ولی اراده قوی ندارند.
- در مقابل عبید، **نوابت** هستند که از اندیشه درست محرومند ولی اراده قوی دارند.
۳. **بهیميون:** کسانی هستند که نه اندیشه درست و نه اراده قوی دارند. فارابی از آنها با عنوان «بهائم انسی» یاد می‌کند که پست‌ترین انسان‌ها هستند.

دکتری ۹۶: کسانی که دارای نیت‌های خیرخواهانه هستند، ولی فاقد انگیزه‌های کاری می‌باشند، دارای کدام نوع رفتار سازمانی می‌باشند؟

- (۱) احرارگونه      (۲) بهیمانه      (۳) نوابتگونه      (۴) عبیدانه

رفتار سازمانی **احرارگونه** از کارکنانی سر می‌زند که ضمن دارا بودن نیت‌های صادقانه برای خدمت به اهداف سازمان آخرت‌گرا، از انگیزه کافی نیز برخوردارند.

رفتار سازمانی **عبیدانه** از کارکنانی سر می‌زند که دارای نیت‌های خیرخواهانه هستند، ولی فاقد انگیزه کاری می‌باشند.  
رفتار سازمانی **نوابت‌گونه** از کارکنانی سر می‌زند که از انگیزه کاری بالایی برخوردارند، ولی نیت‌های شرورانه در سر دارند.  
افرادی نیز در سازمان حضور دارند که نه صاحب اندیشه و نیت درستی هستند و نه انگیزه‌ای برای انجام کارها دارند و رفتار سازمانی **بهمیانه (حیوان‌گونه)** از خود بروز می‌دهند.

منبع: ویرایش جدید اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، دکتر مقیمی، نشر راه‌دان

## یادآوری ۱:

- **انسان فرشته‌خو:** کسی که به مقدار توان و تلاش خود، قوه عاقله‌اش را بکار گیرد. (اینها مومنان واقعی و راستین هستند).
- **انسان شیطان صفت:** کسی که قوه شهوت و هوای نفس را بکار گیرد و کاری به مقتضای عقل نداشته باشد.
- **انسان با صفت انسانیت:** کسی که اعمال شایسته و صالح خود را با اعمال بد و ناروا در هم آمیزد.

## یادآوری ۲:

مقصود از نیت، تصمیم جدی و اراده واقعی برای عمل است نه تصور و تخیل ذهنی؛ خداوند اراده انسان را به شرط سعی و کوشش با ارزش تلقی کرده است. خواستن صرف معیار ارزش نیست، بلکه خواستنی که همراه با ایمان و عمل صالح باشد، ملاک است. البته نیت جدی در مقام عمل گاه با موفقیت و گاه با شکست همراه می‌شود؛ اما در هر دو صورت نیت جدی دارای ارزش است. ضمناً باید توجه داشته باشیم نیت انسان در صورتی ارزشمند است که همراه با «اخلاص» باشد. به بیان دیگر «حسن فاعلی» مهم‌تر از «حسن فعلی» است. زیرا حسن فاعلی هم عمل را نیکو می‌سازد و هم عامل را؛ در حالیکه حسن فعلی تاثیری نسبت به عامل ندارد (یعنی اگر کسی کار نیک را بدون اخلاص انجام دهد، برای او فایده‌ای ندارد).

- براساس منابع اسلامی سه گزاره در خصوص نیت قابل استنتاج است: (ممکن است در قالب گزینه‌ها مطرح شوند)
  - هرکس به عملی راضی باشد مانند کسی است که آن را انجام داده است.
  - هرکس به عمل قومی (گروهی) راضی باشد از آنهاست.
  - هرکس نسبت به گروهی هوادار باشد با آنها در ثواب و عقاب شریک است.

### یادآوری ۳:

حکمت رسیدن به حق از طریق «علم» و «عقل» است.

فعل برخاسته از حکمت دارای سه ویژگی می باشد:

- داشتن غرض و هدف
- انتخاب برتر و بهتر از میان غرض‌ها و هدف‌ها
- انتخاب مناسب‌ترین راه و نزدیک‌ترین آن برای رسیدن به هدف

حکمت عملی اسلام عبارتست از همسویی «عقل» و «وحي» در جهت هدایت انسان به راه سعادت.

### یادآوری ۴:

ابن سینا عقل را شیء واحدی می‌داند که دارای دو حیث است:

- از حیث علاقه به فراسوی خود «عقل نظری» نامیده می‌شود.
- از حیث علاقه به بدن «عقل عملی» نامیده می‌شود.

### نکته (مهم):

اقسام مغالطات و راه‌های رهایی از آنها:

- **مغالطه منطقی:** اگر وهم و خیال در امور عقلی دخالت کنند، متشابهاً خود را به جای محکمت عرضه می‌دارند و انسان را در وادی اندیشه به مغالطه دچار می‌کنند. انسان متفکر برای حفظ شناخت هر چیزی از آسیب مغالطه، باید راه نفوذ اشتباه را بشناسد و آن را ببندد. علم منطق، میزان ارزیابی اندیشه‌های انسان است و آن را از گزند مغالطه ایمن می‌دارد.
- **مغالطه عاطفی:** به جای رهبری عواطف به دست قوای فطری و عقل عملی، قوای طبیعی مسیر جذب و دفع انسان را معین می‌کند؛ و در نتیجه آن تمایلات و تنفرت دروغین انسان را در دام مغالطه‌های گوناگون انگیزشی گرفتار می‌آورد. برای جلوگیری از چنین مغالطه‌هایی باید همه امور جذب و دفع به شکلی هماهنگ با تمایلات و تنفرت قلب سلیم، کنترل و هدایت شود.
- **مغالطه رفتاری:** در فضای این مغالطه، اراده انسان براساس شهوت، غضب و شهرت شکل می‌گیرد. به عنوان نمونه ممکن است عملی دلخواه کسی باشد و نیروی شهوت آن را به شکل امری معقول ارائه کند و انسان بر محور آن تصمیم

بگیرد، اراده کند و آن را انجام دهد؛ به گونه‌ای که حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دهد و با مغالطه‌های رنگارنگ، رفتارهای غلط را به جای کنش‌های درست می‌نشانند.

**توجه:** مغالطات رفتاری و عاطفی مربوط به تهذیب و تزکیه هستند و مغالطه منطقی مربوط به بخش علمی است که بوسیله علم اخلاق و رفتار تبیین شده در آیات و روایات، برطرف می‌شوند.

- **مغالطه هویتی:** انسان هویت و حقیقتی دارد و دشمنان انسانیت، در هویت او مغالطه می‌کنند. یعنی چیز دیگری را بجای اصل حقیقت او می‌نشانند و انسان را به تربیون و بلندگوی حیات حیوانی و شیطانی تبدیل می‌کنند نه هویت خود.

در مغالطه هویتی، انسان فاعل اصلی را در درون خود می‌پندارد و قارونی می‌اندیشد. برای رهایی از مغالطه هویتی، انسان باید عقل و قلب خود را سنگر زبان قرار دهد و زبانِ قلم یا زبانِ کام را در پشت سر نهد، اندیشه را خاکریز مقدم کند و نخست درست بفهمد، آنگاه بگوید یا بنویسد.

مغالطه هویتی، در حوزه اندیشه‌های بشری نیست که حقی را باطل جلوه دهد (مغالطه منطقی)

و در حوزه تمایلات بشری نیست که بخواهد جذب و دفع دروغین را جایگزین حب و بغض راستین کند (مغالطه عاطفی)

و همچنین در حیطه تصمیم‌ها و اراده‌های وی نیست که حقی را باطل کند (مغالطه رفتاری)؛

بلکه بر ریشه همه این‌ها تیشه می‌زند و هویت باطلی را جایگزین هویت حق می‌سازد.